

روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی

نویسنده: دکتر بیژن حاجی عزیزی*

* استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع، طرق اجرای تعهد فاعل زیان است. از آنجا که انواع مختلف ضررهای مادی، معنوی و جسمانی با روش واحدی قابل جبران نیستند، ضروری است که طرق مختلف ترمیم خسارت و کارایی و کفایت هر یک مورد مطالعه قرار گیرد. تقریباً در تمام نظام‌های مختلف حقوقی این مطلب مورد توجه قرار گرفته و موادی نیز به آن اختصاص یافته است. در مقاله حاضر، هدف اساسی بررسی و مطالعه انواع روش‌های ترمیم خسارت در حقوق ایران و فقه اسلامی، شناخت روش‌های مرجح و مقدم در این نظام‌ها و سایر کشورهای جهان و همچنین حقوق بین‌الملل است که در نوع خود مطلبی بدیع و بکر به‌شمار می‌رود. برای نیل به این مقصود، بعد از تعریف و بیان محاسن و مزایای دو روش عمده جبران خسارت که عبارتند از جبران عینی و جبران بدلی، جایگاه هر طریق به‌طور جداگانه در حقوق ایران و فقه اسلامی، و حقوق بعضی از کشورهای خارجی و همچنین در رویه قضایی بین‌المللی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، خسارت، روش‌های جبران، جبران عینی، جبران بدلی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال نهم - شماره ۳۶

دی ۱۳۸۰

مقدمه

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان)، و تابع اهداف مسئولیت مدنی‌اند. از آنجا که اهداف مزبور در کلیه نظام‌های حقوقی یکسان نیستند، شیوه‌های تأمین آن‌ها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این، عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی عبارتند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده.

از میان اهداف مذکور نیز «جبران خسارت» عامل اصلی در تعیین آثار مسئولیت مدنی در تمام نظام‌های حقوقی است. شخصی که از فعل زیانبار متضرر شده می‌تواند جبران خسارت وارد آمده را مطالبه کند. این جبران خسارت و دریافت غرامت ممکن است دیگر اهداف فرعی مسئولیت مدنی را نیز به‌طور نسبی برآورده سازد؛ بدین بیان که الزام به جبران خسارت تا اندازه‌ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال، زیان‌دیده آن را التیام بخش صدمه‌ای می‌داند که به او وارد شده است.

عینی اساساً در مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود، لکن نباید از نظر دور داشت که روش مزبور در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد نیز جایگاهی رفیع دارد و نویسندگان حقوقی [۵ و ۴] برای آن مصادیق و مثال‌های متعددی ذکر می‌کنند؛ نظیر تخریب بنایی که بر خلاف مقررات ساخته شده، ابطال سند معمول، انتشار رأی صادر شده در مورد محکومیت مفتری، و اعاده شیء معضوب.

نوآوری از حقوقدانان [۶ و ۲] جبران عینی را به‌عنوان یک روش جبران خسارت در مسئولیت مدنی به رسمیت نمی‌شناسند و معتقدند که جبران خسارت جز از طریق پرداخت مبلغی پول به‌عنوان معادل آنچه از دست رفته ممکن نیست؛ لکن اکثریت با این فکر مخالفند و جبران عینی را به‌عنوان روشی مهم و در پاره‌ای موارد، کامل‌ترین روش برای جبران خسارت می‌پذیرند.

ب - محاسن و معایب جبران عینی

جبران عینی به‌عنوان روشی برای جبران خسارت، واجد محاسن و معایبی است که شایسته است به‌نحو اختصار مورد اشاره قرار گیرند.

۱- محاسن و مزایا

عمده‌ترین مزایا و محاسنی که برای این طریق جبران خسارت می‌توان شمرد به قرار زیر است:

۱-۱- این شیوه جبران، زیان‌دیده را در همان وضعیت قبل از وقوع فسخ زیانبار یا نزدیک‌ترین وضعیت به آن قرار می‌دهد. از این‌رو، این طریق جبران برای خواهان مطلوبیت بیشتری دارد، در حالی که جبران خسارت از طریق پرداخت پول، مطلوبیت ثانوی دارد [۷].

۱-۲- اگر زیان‌دیده حق مطالبه جبران عینی و استرداد عین مال را نداشته باشد و فقط بتواند معادل آن را دریافت کند، در واقع مجبور به فروش مال خویش به شخص متجاوز می‌شود. به‌علاوه ممکن است اصل مال برای خواهان ارزشی بیش‌تر از قیمت واقعی آن داشته باشد، در این صورت، اگر وی قادر به استرداد عین نباشد و حقتش به خسارت پولی تعلق گیرد، ممکن است چیزی بیش از یک خسارت صوری را به‌دست نیابد [۸].

۱-۳- چنانچه زیان‌دیده مستحق جبران عینی نباشد ممکن است با ورشکستگی و اعسار عامل زیان روبه‌رو شود که

علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می‌کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن فعل زیانبار در آینده باز دارد. سرانجام این‌که الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می‌شود که عامل زیان منفعتی را از طریق فعل زیانبار ارتکابی به‌دست آورد.

بنابراین تأدیب خطاکار، جلب رضایت و تشفی خاطر زیان‌دیده، اعلام حقوقی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، بازداشتن خطاکار و دیگران از ارتکاب فعل زیانبار، و نیز جلوگیری از استفاده بلا جهت، اهداف ثانوی مسئولیت مدنی هستند که با الزام به جبران خسارت تأمین می‌شوند. نظام‌های مختلف حقوقی برای دستیابی به این اهداف و اجرای تعهد عامل ورود زیان در جبران خسارت از زیان‌دیده شیوه‌هایی را ارائه داده‌اند که اهم آن‌ها عبارتند از: جبران عینی، و جبران بدلی (جبران خسارت از راه دادن معادل). اگر چه اصول کلی شیوه‌های مذکور در نظام‌های مختلف کم و بیش یکسان است. اما کیفیت استفاده از آن‌ها و ترجیحاتی که به هر یک داده می‌شود در نظام‌های حقوقی متفاوت است.

در نوشته حاضر سعی خواهد شد که عمده‌ترین روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی طی دو مبحث معرفی و نقاط قوت و ضعف هر یک به لحاظ حقوقی تحلیل شود. در بیان مطالب علاوه بر نظام حقوقی ایران به راه‌های پذیرفته شده در حقوق بعضی از دیگر کشورها نیز اشاره خواهد شد.

مبحث اول: جبران عینی [۱]

Restitution in kind - Reparation en nature

الف - بیان مفاهیم و کلیات

جبران عینی که گاه با عنوان اعاده وضع پیشین زیان‌دیده [۲] یا ترمیم جنسی [۳] از آن یاد می‌شود، یکی از طرق مهم و رایج جبران خسارت در حقوق کشورهای مختلف است و از مسائل مسئولیت مدنی به‌شمار می‌آید.

منظور از جبران عینی یا اعاده وضع سابق این است که ضرر به نحوی جبران شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است [۲]. این روش جبران خسارت، کامل‌ترین روش و در عین حال از اهداف عمده مسئولیت مدنی و همچنین مسئولیت قراردادی محسوب می‌شود.

بعضی از مؤلفان [۱] حقوقی متذکر شده‌اند که جبران

ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...». براساس صریح این ماده تا زمانی که عین مغضوبه باقی است، نه غاصب می‌تواند مال دیگری را به جای آن به مالک بدهد و نه مالک می‌تواند الزام غاصب را به پرداخت مثل یا قیمت از دادگاه بخواهد؛ مگر این‌که رد عین مستلزم تلف آن باشد. این حکم که نمونه بارز جبران عینی به شمار می‌آید، مورد اتفاق حقوقدانان و فقهای مذاهب مختلف اسلامی است [۱۳ و ۱۴].

با وجود این باید توجه داشت که قاعده فوق، امری نیست و توافق برخلاف آن میسر است. درست است که قاعده مذکور در ماده ۳۱۱ قانون مدنی در باب غصب وارد شده که ظاهراً دارای نظام خاص حقوقی است، لکن جبران عینی دارای مبنای منطقی و طبیعی است و در حقوق ایران، بر سایر طرق جبران خسارت، هم در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد و هم در مسئولیت قرارداد، تقدم دارد.

از این رو ماده ۳۲۹ قانونی مدنی در باب اتلاف، گونه‌ای دیگر از جبران عینی را مطرح کرده است. به موجب این ماده: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید». ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نیز با اعطای اختیار به دادگاه در خصوص انتخاب روش جبران خسارت، جبران عینی را پذیرفته؛ اگر چه برای آن تقدم قائل نشده و آن را به نظر قاضی واگذار کرده است.

گاه ممکن است که جبران عینی به شکل امحای منبع زیان مطرح شود. مثالی که معمولاً در این مورد ذکر می‌شود این است که شخص در ملک خود دیواری احداث می‌کند که مانع از رسیدن نور یا هوا به همسایه می‌شود. در این صورت، مسئولیت شخص، غیرقراردادی است و طریق جبران خسارت نیز در اغلب سیستم‌های حقوقی برداشتن دیوار است [۱]. همچنین درج عذرخواهی و تکذیب حکم محکومیت (در مورد مفتی) از انواع جبران عینی محسوب می‌گردد که در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده و با سایر طرق جبران خسارت قابل جمع است.

در این صورت، ممکن است فقط به بخشی از طلب خود برسد [۸].

۴-۱- اعاده وضع پیشین اصولاً مستلزم اثبات زیان نیست [۹].

۵-۱- این شیوه جبران خسارت حتی المقدور هم زیان‌های مادی را جبران می‌کند و هم زیان‌های معنوی را و به علاوه مانع گسترش زیان می‌شود.

۶-۱- در اعاده وضع پیشین یک عنصر قطعاً ایدئال وجود دارد؛ بدین معنا که نظام حقوقی با اعطای حق مطالبه جبران عینی به زیان‌دیده، نفع وی را در پایدارسازی وضعیت‌های معین مورد توجه قرار می‌دهد [۹].

۲- معایب جبران عینی

در مقابل امتیازات مورد اشاره، معایبی نیز برای شیوه جبران عینی خسارت ذکر گردیده که به نحو اختصار از آن‌ها یاد می‌شود:

۱-۲- اجرای احکام صادر شده براساس جبران عینی در مقایسه با احکامی که محکوم به آن مبلغ معینی پول است، با دشواری‌های بیش‌تری روبه‌رو است.

۲-۲- در مورد بسیاری از زیان‌ها از جمله زیان‌های جسمی و بسیاری زیان‌های وارد آمده به اموال، جبران عینی خسارت غیرممکن و غیرقابل تصور است و جبران نقدی تنها طریق مناسب و عملی جبران خسارات است [۱۰ و ۱۱].

۳-۲- جبران عینی فقط نسبت به آینده مؤثر است و زیان‌هایی را که در گذشته از وضعیت زیان‌بار ناشی شده‌اند جبران نمی‌کند. لذا صدور حکم براساس جبران عینی، مانع از این نیست که زیان‌دیده جبران خساراتی را که تا موقع اجرای حکم به او وارد شده بخواهد [۳ و ۱۲].

ج- جبران عینی در حقوق ایران و فقه امامیه

۱- حقوق ایران

در حقوق ایران جبران عینی در ماده ۳۱۱ قانون مدنی در مورد غضب و ماده ۳۲۹ همان قانون در مورد اتلاف پیش‌بینی شده است. همچنین به این شیوه جبران خسارت در خصوص تعهدات قرار دادی نیز در مواد ۲۲۲، ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی تصریح گردیده و صراحتاً بر سایر طرق جبران خسارت ترجیح داده شده است.

۲- فقه امامیه

به‌طور کلی در فقه اسلامی اعم از امامیه و عامه، بحث مستقل و شفافی در خصوص انواع روش‌های جبران خسارت وجود ندارد؛ به‌ویژه با ملحوظ داشتن این نکته که پاره‌ای از ضررها نظیر ضرر معنوی یا عدم النفع نیز جایگاه روشنی در فقه اسلامی ندارند.

به تعبیر بعضی از مؤلفان [۱۵] در حقوق اسلامی، معنای محدودی از ضرر پذیرفته شده است. با وجود این، مصادیق برجسته‌ای از جبران عینی و همچنین بدلی در مسئولیت قهری و قراردادی در مباحث فقهی مطرح شده است. در این قسمت، ابتدا به موارد مربوط به جبران عینی اشاره می‌کنیم و مصادیق جبران بدلی را به لحاظ رعایت ترتیب منطقی ارائه مطالب در مبحث آتی مطرح خواهیم کرد.

در فقه جبران عینی در برخی از موارد مطرح شده است، از جمله این‌که در باب غصب، مادام که عین مغضوبه باقی است بر غاصب واجب است که عین آن را به مالک رد کند ولو این‌که معیوب و ناقص شده یا رد آن توأم با مشقت باشد. این حکم مورد توافق کلیه مذاهب است [۱۳ و ۱۴]. همچنین چنانچه غاصب در زمین مغضوب زراعت کرده یا درخت کاشته یا احداث بنا کرده باشد، مکلف به قلع و ازاله زراعت، اشجار، و بنا است و علاوه بر این، به تسویه و تسطیح زمین و پرکردن گودال‌ها نیز مکلف است [۱۶، ۱۷ و ۱۸] که این چیزی جز جبران عینی نیست. همچنین در جای دیگر در باب غصب فقها اشاره کرده‌اند که اگر غاصب در زمین مغضوب چاهی حفر کند، ملزم است آن را پر کند [۱۶، ۱۷ و ۱۸] که این مورد نیز از مصادیق بارز اعاده وضع سابق و همان جبران عینی است. شیخ طوسی (ره) گفته است که اگر فردی زمینی را غصب کند و بخشی از خاک آن را به جای دیگری منتقل سازد مالک حق دارد: اولاً استرداد عین خاک را بخواهد و ثانیاً غاصب را مکلف کند که آن را مثل اول روی زمین مغضوب بگستراند [۱۹]. این مثال نیز مصداق بارزی از جبران عینی است.

با دقت در مثال‌ها و مصادیق مورد اشاره ملاحظه می‌شود که در فقه از دیرباز جبران عینی و اعاده وضعیت سابق زیان‌دیده مورد توجه بوده است. مضاف بر این از مصادیق فوق می‌توان استنباط کرد که در فقه اسلامی،

جبران عینی در مواردی که امکان طرح دارد و مقدور باشد، مقدم بر جبران بدلی است.

د - حقوق تطبیقی

جبران عینی خسارت در حقوق سایر کشورها و همچنین رویه قضایی بین‌المللی نیز کم و بیش به رسمیت شناخته شده است، منتهی جایگاه آن در همه نظام‌های حقوقی یکسان نیست. نحوه برخورد نظام‌های مختلف حقوقی با این روش جبران خسارت را به‌طور کلی می‌توان در یکی از فروع زیر دسته‌بندی کرد:

۱- نظام‌هایی که جبران عینی در آن‌ها استثنا است

در برخی از نظام‌های حقوقی، اثر اصلی مسئولیت مدنی، تعهد عامل زیان به جبران نقدی خسارات وارد شده است. اعاده وضع پیشین عمدتاً ممکن است از طریق روش‌های خاص جبران خسارت که از مسئولیت مدنی ناشی نشده‌اند، به دست آید. این روش‌های جبرانی فوق‌العاده در عمل، اندک هستند [۲۰].

حقوق انگلیس و امریکا به این دسته تعلق دارند [۲۰ و ۲۱]. در کامن لا اثر نوعی مسئولیت مدنی، تعهد به پرداخت خسارت است و مطالبه خسارت، مقتضای مسئولیت مدنی تلقی می‌شود [۲۲]. طریق جبران عینی یارد عین مال و قرارهای منع (Injunction) عمدتاً منبعث از سیستم انصاف است و پیش از این فقط در دادگاه‌های انصاف مورد حکم قرار می‌گرفت؛ اما امروزه در دادگاه‌های کامن لا نیز پذیرفته شده است [۲۰ و ۲۱].

در حقوق انگلیس در مسئولیت قراردادی نیز اجبار به انجام عین (Specific performance) تعهد یک جبران استثنایی است و تحت شرایط خاص مورد حکم قرار می‌گیرد [۲۳].

۲- نظام‌هایی که در آن‌ها جبران عینی در اختیار قضات است

در این گروه که نظام حقوقی فرانسه نماینده آن است، این قاعده وجود دارد که زیان زیان‌دیده باید با معادل پولی جبران شود. در این نظام‌ها بازپرداخت غرامت، طریق اصلی جبران خسارت در مسئولیت مدنی است. زیان وارد آمده به اشخاص یا اموال به‌عنوان یک قاعده کلی با پول

علی رغم میل زیان‌دیده، روش جبران عینی را برگزینند؛ منتهی این تقدم از قواعد آمره محسوب نمی‌شود و طرفین می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند.

در این نظام‌ها نیز ضرورت، استثناهایی را بر رجحان جبران عینی وارد کرده است. در مواردی که جبران عینی غیرممکن یا غیرعادلانه است، زیان‌دیده می‌تواند خسارت بخواهد. عامل زیان نیز می‌تواند اقدام به پرداخت خسارت از طریق دادن پول و بدل کند. در این گروه، اعاده وضع پیشین، اقدامات معمول در امحای منبع زیان را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد که حقوق اسلام نماینده این گروه است حقوق ایران نیز به این دسته تعلق دارد.

لازم به ذکر است که اگر چه در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی ایران به دادگاه اختیار داده شده که شیوه و کیفیت جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین کند، لکن این امر به معنای نفی رجحان جبران عینی نیست و با عنایت به مواد ۳۲۹، ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۱۳، و ۳۰۱ قانون مدنی و سوابق فقهی در باب غضب، باید گفت که اگر با توجه به اوضاع و احوال قضیه، جبران عینی میسر باشد، قاضی مکلف است به آن حکم دهد.

شایسته است اشاره شود که جبران عینی در حقوق بین‌الملل نیز معمول و مقدم بر سایر طرق جبران خسارت است و در رویه قضایی بین‌المللی مصادیقی از این روش جبران خسارت وجود دارد که برای نمونه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در ژوئن ۱۹۶۲ راجع به قضیه معبد پری وی هیر (Temple of Preah vihear) درخور ذکر است. به موجب این رأی، دادگاه، دولت تایلند را ملزم ساخت نیروهای نظامی یا انتظامی خود را که در معبد یا اطراف آن در سرزمین کامبوج مستقر شده بودند فرابخواند و اشیایی را که در سال ۱۹۵۴ از معبد یا صحن آن خارج کرده بود به کامبوج بازگرداند [۲۶].

همچنین می‌توان به آرای متعدد کمیسیون سازش ایتالیا و فرانسه در فضایای هتل متروپول (Hotel metropolo)، اتوز (ottoz) و هنون (Henon) به ترتیب در تاریخ‌های ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۰، ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۰ و ۱۳ اکتبر ۱۹۵۱ اشاره کرد [۲۷].

جبران می‌شود، اما قاضی می‌تواند در صورتی که صلاح بداند، به جای حکم به پرداخت غرامت یا علاوه بر آن، هر اندازه از جبران عینی را که مصلحت می‌بیند مورد حکم قرار دهد [۲۴ و ۲۵]. در این خصوص ویژگی حقوق فرانسه و سیستم‌های مرتبط، مفهوم بسیار وسیع اعاده وضع پیشین است. این مفهوم همه اقدامات معمول در راستای رفع وضعیت زیانبار و جلوگیری از زیان بیش‌تر را شامل می‌شود. این اقدامات انواع جبران عینی است که مستقیماً از تعهد عامل زیان به تدارک ضرر وارد شده ناشی می‌شود. در مورد انتخاب انواع جبران عینی، رویه دادگاه‌های فرانسه در چارچوب اختیارات قاضی بسیار انعطاف‌پذیر به نظر می‌رسد [۲۰].

حقوق پاره‌ای از کشورهای عربی نظیر مصر [۱] و لبنان [۲۵] نیز در این دسته قرار می‌گیرد. ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر صریحاً مقرر می‌دارد: «يجوز للقاضي، تبعاً للظروف، و بناءً على طلب المضرور، أن يأمر بإعادة الحالة الی ماكانت عليه»: قاضی مجاز است با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و بنا به درخواست متضرر، حکم به اعاده وضعیت سابق دهد.

همچنین ماده ۱۳۶ قانون موجبات و عقود لبنان مقرر می‌دارد: «التعويض يكون في الاصل من النقود و يخصص كبديل عطل و ضرر، غير انه يحق للقاضي ان يلبسه شكلاً يكون اكثر موافقه لمصلحة المتضرر، فيجعله عيناً. ويمكن ان يكون على الخصوص بطريقه النشر في الجرائد»: جبران در اصل نقدی است که به عنوان بدل از کارافتادگی و ضرر تخصیص می‌یابد، جز این‌که قاضی حق دارد جبران آن را به شکلی قرار دهد که بیش‌ترین تناسب را با مصلحت متضرر داشته باشد؛ یعنی جبران عینی در نظر بگیرد. همچنین امکان دارد که جبران به طریق نشر (حکم محکومیت) در جرائد باشد.

۳- نظام‌هایی که جبران عینی را بر سایر طرق جبران خسارت ترجیح می‌دهند

گروه سوم نظام‌هایی هستند که جبران عینی را وسیله اصلی ترمیم خسارت می‌دانند و پرداخت پول و غرامت را نسبت به آن فرعی تلقی می‌کنند. حتی اگر عامل زیان پرداخت خسارت را پیشنهاد کند، باز هم زیان‌دیده می‌تواند جبران عینی خسارت را بخواهد. البته عامل زیان نیز می‌تواند

مبحث دوم: جبران بدلی**(Compensation-Reparation par equivalent)**

جبران از طریق دادن معادل (پولی و مثل) رایج‌ترین و مهم‌ترین روش جبران خسارت زیان‌دیده در مسئولیت مدنی است.

تقریباً در همه نظام‌های حقوقی، جبران زیان از طریق دادن معادل، مهم‌ترین اصل زیربنایی مسئولیت مدنی است. مطابق این اصل، عامل زیان متعهد است معادلی برابر خسارت ناشی از فعل زیانبار را به زیان‌دیده تسلیم کند.

در اتلاف و تسبیب، در غالب موارد، امکان جبران عینی ضرر وجود ندارد و بنابراین تنها راه تدارک ضرر، دادن معادل به زیان‌دیده است. مبنای این فکر این است که برابر ارزش آنچه بر اثر فعل زیانبار از دارایی زیان‌دیده کاسته شده به دارایی‌اش اضافه گردد و وضع او تا حد امکان به وضع سابقش نزدیک شود [۲۸]. هدف از دادن معادل این است که شخص زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که اگر فعل زیانبار به وقوع نمی‌پیوست می‌توانست چنان وضعیتی داشته باشد.

در اغلب نظام‌های حقوقی، معادلی که مورد حکم قرار می‌گیرد معمولاً مبلغی پول است، لکن در هر نظام مواردی نیز وجود دارد که جبران خسارت از طریق دادن مثل یا معادل‌های غیرنقدی دیگر صورت می‌گیرد. لذا شایسته است انواع معادل به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، در ادامه مطلب با بیان انواع معادل و محاسن و معایب جبران بدلی، انواع معادل را در حقوق ایران، فقه و حقوق خارجی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

الف - انواع معادل

به‌طور کلی پرداخت معادل به دو شکل امکان‌پذیر است؛ نخست دادن مثل در مواردی که فعل زیانبار، سبب تلف یا نقص مالی شده است که در عالم خارج دارای شبیه و نظیر است و دیگری، پرداخت مبلغی پول به‌عنوان عوض ضروری که در اثر فعل زیانبار به قربانی وارد شده یا از دارایی او کاسته شده است.

۱- دادن مثل

در خصوص مفهوم مثل و مال مثلی در یک تعریف مشهور

فقهی گفته شده است: «هو ما یتساوی قیمت اجزائه» [۲۹ و ۳۰]: مثلی مالی است که قیمت اجزای آن مساوی باشد. در اجرای این قاعده و تشخیص مصادیق آن فقها متفق القول نیستند. قانون مدنی ایران در ماده ۹۵۰ در تعریف مثلی می‌گوید: «مثلی که در این قانون ذکر شده، عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد، مانند حیوانات و نحو آن و قیمی مقابل آن است. مع ذلک تشخیص این معنا با عرف است». ملاحظه می‌شود که قانون مدنی ملاک تشخیص مثل و مثلی را عرف قرار داده و این حکمی معقول و منطقی است؛ چه همان‌گونه که بعضی از محققان [۲۸ و ۳۱] اشاره کرده‌اند مفهوم مثلی اساساً یک مفهوم عرفی است. به تعبیر دیگر، مالی مثل مال دیگر است که از حیث اوصاف و خصوصیات که رغبت مردم را به آن جلب می‌کند و مبنای تعیین قیمت قرار می‌گیرد، در دید عرف همانند باشد.

با این ملاحظه، دادن مثل یکی از طرق جبران خسارت در مسئولیت مدنی است. منتهی این شیوه فقط در مواردی قابل اجرا است که اولاً زیان بر اموال وارد شده باشد و ثانیاً مال تلف شده یا ناقص شده از اموال مثلی باشد. بنابراین، پرداخت مثل در خصوص خسارات و صدمات جسمی و نیز خسارات وارد شده به اموال قیمی میسر نیست. به‌علت همین محدودیت‌ها در خصوص دادن مثل و نیز دشواری اجرای احکام راجع به آن، این شیوه در اغلب سیستم‌های حقوقی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، به‌جز در حقوق اسلام و ایران که به مطالعه آن‌ها خواهیم پرداخت.

پرداخت مبلغی پول

پرداخت پول یا قیمت یا وجه نقد یکی از طرق مهم جبران خسارت در مسئولیت مدنی و شاید رایج‌ترین آن‌ها است [۳۲].

امروزه روش پرداخت پول به‌دلیل سهولت فوق‌العاده‌اش به‌شدت مورد توجه دادگاه‌ها قرار گرفته است، به‌نحوی که اغلب زیان‌های غیرمالی را نیز با پرداخت پول جبران می‌کنند. علاوه بر این، در بیشتر موارد، جبران عینی یا دادن مثل مال تلف شده ممکن نیست و بنابراین تنها راه جبران خسارت، همان پرداخت پول است. در واقع، جبران عینی و دادن مثل فقط در مورد زیان‌های وارد و به اعیان - نه مطلق اعیان - مصداق پیدا

است - تنها طریق ممکن برای جبران خسارت، پرداخت پول است.

۲- معایب

از میان معایبی که در مورد جبران بدلی مطرح است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲- پرداخت معادل، منبع زیان را از بین نمی برد، بلکه فقط زیان های وارد را جبران می کند [۳۴].

۲-۲- حکم به پرداخت بدل ممکن است با ورشکستگی یا اعسار مسئول خسارت، غیر قابل اجرا گردد [۸].

۳-۲- پرداخت معادل از توسعه ضرر جلوگیری نمی کند.

۴-۲- پرداخت معادل در غالب موارد مطلوبیت ثانوی دارد.

ج- جبران بدلی در حقوق ایران و فقه امامیه

۱- حقوق ایران

در حقوق ایران، انواع جبران بدلی، اعم از مثل و قیمت، پیش بینی شده است. پرداخت مثل در مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مدنی در باب غصب و همچنین در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ در باب اتلاف و تسبیب مطرح شده است. در قانون مسئولیت مدنی سخنی از پرداخت مثل به میان نیامده، اما از آن جا که ماده ۳ همان قانون به دادگاه اختیار داده تا میزان زیان و طریقه جبران آن را مشخص سازد می توان گفت که براساس قانون مسئولیت مدنی نیز حکم کردن به پرداخت مثل میسر است.

پرداخت قیمت نیز در مواد ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰ و ۳۳۱ قانون مدنی پیش بینی شده و در قانون مسئولیت مدنی از ماده ۳ مذکور پرداخت معادل پولی یا قیمت قابل استنباط است. در خصوص صدمات جسمی در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی اصناف دیه پیش بینی شده که مستقیماً متخذ از فقه امامیه است؛ اما در عمل در اکثر قریب به اتفاق موارد در باب صدمات جسمی نیز رویه قضایی، پرداخت مبلغی پول را برگزیده است.

در مجموع، در خصوص پرداخت بدل در حقوق ایران دو بحث زیر قابلیت طرح دارد:

نخست این که پرداخت مثل در حقوق ایران در جایی میسر است که اولاً ضرر و زیان به اموال مادی و عینی از اعیان وارد شده باشد، و ثانیاً مال تلف یا ناقص شده از جمله اموال مثلی باشد. در سایر موارد، مثل زیان های

می کند و چنانچه زیان به جسم، آبرو و حیثیت یا منفعت اقتصادی و حقوق قانونی اشخاص وارد شده باشد، اغلب بهترین راه جبران خسارت، مبلغی پول است. البته در کنار پرداخت پول ممکن است اقدامات دیگری مانند عذرخواهی، انتشار حکم محکومیت، و رفع مزاحمت نیز لازم باشد. (لازم به ذکر است که در خصوص صدمه به بعضی از حقوق اشخاص نظیر اشتغال (انفصال و اخراج غیرقانونی) قانونگذار علاوه بر پرداخت خسارت نقدی، اعاده به کار را نیز پیش بینی کرده که این مکانیسم فی الواقع یک نوع جبران عینی است. منتهی این اعاده، حقوقی است، نه مادی؛ نظیر آنچه در ماده ۲۹ قانون کار پیش بینی شده است.)

در انتهای این بحث باید گفت که در حقوق اسلام و ایران در باب زیان های وارد به جسم انسان، معادل های خاصی (اصناف دیه) در نظر گرفته شده که در معنای دقیق، نه مثل به حساب می آیند نه قیمت؛ اگرچه آنچه در این موارد موضوع حکم قرار می گیرد در اکثر قریب به اتفاق موارد مبلغی پول یا وجه نقد است، نه صنفی از اصناف دیه مثل شتر و....

ب) محاسن و معایب جبران از طریق پرداخت معادل

۱- محاسن و مزایا

جبران خسارت از طریق پرداخت معادل (مثل و قیمت) در مقایسه با جبران عینی دارای مزایایی است که اهم آنها به قرار زیر است:

۱-۱- شاید مهم ترین مزیت جبران بدلی این است که می تواند همه زیان های وارد شده، اعم از مادی و معنوی، را از ابتدا تا هنگام صدور حکم و حتی بعد از آن پوشش دهد، حال آن که در جبران عینی چنین چیزی ممکن نیست و برخی زیان ها که از فعل زیانبار ناشی شده اند، جبران نشده باقی می ماند [۹ و ۳۳].

۱-۲- اجرای احکامی که موضوع آنها پرداخت وجه نقد با دادن معادل است، ساده تر از بقیه شیوه های جبران خسارت است.

۱-۳- در خصوص بعضی از انواع زیان از جمله زیان های معنوی و جسمی - در حقوق اسلام و ایران در باب صدمات بدنی اصناف دیه پیش بینی شده که غیر از پول

کنید)، و «جزاء سیسة سیئه مثلها» [۴۷] (و جزای هر بدی مانند آن بدی است) یا آیه «ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به» [۴۸] (اگر کیفر می‌کنید چنان کیفر کنید که شما را کیفر داده‌اند).

۲- اجماع.

۳- توجیحات حقوقی، نظیر این‌که مثل از حیث جنس و صفات و ارزش مالی، مساوی عین است و بهتر می‌تواند وضع زیان‌دیده را به قبل از وقوع ضرر برگرداند، و همچنین ادله‌ی ضمان، مثل «علی الید».

البته دلالت بعضی از ادله‌ی مورد اشاره قابل مناقشه است، از جمله این‌که همان‌گونه که فقهای متأخر [۴۵ و ۴۹] گفته‌اند: مقصود از مثل در آیات مذکور، اندازه و میزان تعدی است، نه نوع مالی که باید به‌عنوان بدل پرداخت شود.

درخصوص اجماع نیز گفته شده که ظاهراً مدرک اجماع‌کنندگان ادله‌ی ضمانات است و کاشف از قول معصوم نیست [۴۵ و ۴۹]. مضاف بر این، مرحوم صاحب جواهر از ابن‌جنید نقل می‌کند که او گفته است: «ان تلف المضمون ضمن قیمه او مثله ان رضی صاحبه»: [۵۰] اگر مال مضمون تلف شود، غاصب یا تلف‌کننده، ضامن قیمت یا مثل آن است، در صورت رضایت مالک به هر یک. از این سخن برمی‌آید که اگر مال تلف شده مثلی باشد، اما مالک قیمت آن را مطالبه کند یا به قیمت راضی شود، فاعل زیان باید به او قیمت بپردازد. در واقع، اگر در پرداخت مثل قائل به تقدم هم باشیم صرفاً با ملاحظه‌ی مصلحت مالک است و لذا اگر او از مثل بگذرد، باید به او قیمت پرداخت شود.

اما درخصوص توجیحات حقوقی به نظر می‌رسد که این سخن قابل قبول است که پرداخت مثل بهتر و مناسب‌تر می‌تواند وضع سابق را اعاده کند؛ اگر چه اجرای آرای صادر شده بر این اساس در عمل مشکل‌تر از پرداخت پول و قیمت است.

دلالت ادله‌ی ضمانات - به دلالت التزامی - بر تقدم پرداخت مثل نیز مورد انکار بعضی از فقها [۵۱]. قرار گرفته است.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که تنها توجیه منطقی در فقه امامیه برای تقدم مثل در مثلیات آن است که مثل به نحو مطلوب‌تر و شایسته‌تر وضع سابق زیان‌دیده را

معنوی و جسمانی و زیان‌های وارد به اموال قیمی تنها وسیله جبران خسارت، پرداخت پول است. همچنین در مواردی که مال مثلی بوده و مثل آن یافت نشود یا از مالیت افتاده باشد باید قیمت یا پول پرداخت شود.

دوم این‌که ظاهر مواد ۳۲۸، ۳۱۱ و ۳۳۱ قانون مدنی این است که غاصب و فاعل زیان در پرداخت مثل یا قیمت مختارند. چه در هر سه ماده مذکور قید شده که در صورت تلف عین باید مثل یا قیمت پرداخت شود. اما از این ظهور باید دست برداشت؛ زیرا اولاً از مفاد مواد ۳۱۲ و ۳۲۹ قانون مدنی به روشنی برمی‌آید که اگر مال تلف شده مثلی باشد، مسئول تلف، مکلف به پرداخت مثل است و مالک نیز نمی‌تواند قیمت مطالبه کند. ثانیاً اکثر قریب به اتفاق نویسندگان حقوق مدنی و فقهای امامیه و حتی عامه در این خصوص اتفاق نظر دارند [۳۰، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰]. ثالثاً پرداخت مثل بهتر می‌تواند وضع زیان‌دیده را به حالت سابق برگرداند، به گونه‌ای که برخی از نویسندگان [۴۱] پرداخت مثل را با اندکی تسامح، نوعی جبران عینی تلقی کرده‌اند. بنا به این ملاحظات باید در حقوق ایران قائل به تقدم مثل بر قیمت بود.

۲- فقه امامیه

در فقه امامیه، انواع بدل، اعم از مثل و قیمت درخصوص زیان‌های وارد شده به اموال و اصناف دیه برای جبران زیان‌ها و صدمات جسمی پیش‌بینی شده است.

در فقه، بحث مثل در کتاب غصب و اتلاف و تسبیب در مواردی که مال تلف شده مثلی باشد مطرح شده است؛ لکن اگر مال تلف شده مثلی نباشد یا اگر مثلی است مثل آن یافت نشود یا از مالیت افتاده باشد، قیمت یا پول پرداخت می‌شود.

در مواردی که پرداخت مثل میسر است، بر قیمت تقدم دارد. معنای تقدم این است که اگر مال مثلی باشد، مالک نمی‌تواند فاعل زیان را به پرداخت قیمت مجبور کند و فاعل زیان نیز نمی‌تواند مالک را به دریافت قیمت مجبور سازد. دلایل و توجیحات این تقدم را فقها [۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۵] چند چیز ذکر کرده‌اند:

۱- آیاتی از قرآن کریم، از جمله: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» [۴۶] (پس هر کس بر شما تعدی کرد همان‌گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی

استنتاج می‌شود که برای جبران خسارت عمدتاً دو روش وجود دارد: جبران عینی، و جبران بدلی، که هر یک از این دو روش می‌تواند اشکال مختلف پیدا کند.

در حقوق ایران و فقه اسلامی و شیعی، جبران عینی حداقل در باب خسارت‌های مادی و مالی بر جبران بدلی مقدم است؛ اگر چه جبران بدلی، به‌خصوص پرداخت پول، گستردگی بیش‌تر دارد و انواع متفاوت و بخش اعظم ضررها را پوشش می‌دهد.

در حقوق سایر کشورها نیز عموماً همین دو روش با صورت‌های مختلف وجود دارند؛ منتهی از جایگاه یکسانی برخوردار نیستند. در بعضی از نظام‌های حقوقی خارجی، نظیر انگلیس و امریکا، جبران بدلی، به‌ویژه در شکل پرداخت پولی، بر جبران عینی ترجیح دارد و در بعضی نظام‌های دیگر، مثل حقوق فرانسه و نظام‌های تابع آن، اگر چه پرداخت معادل و به‌خصوص پول طریق اصلی جبران خسارت است، لکن قاضی اختیار دارد در صورتی که صلاح ببیند به جای پرداخت غرامت یا علاوه بر آن هر اندازه از جبران عینی را که مصلحت می‌داند مورد حکم قرار دهد.

در مجموع می‌توان گفت که جبران بدلی به شکل پرداخت پول به لحاظ محاسن آن، شایع‌ترین و رایج‌ترین روش جبران خسارت در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی است.

منابع

۱. در حقوق کشورهای عربی اصطلاح «تعویض عینی» رایج است. (ر.ک، السنهوری، دکتر عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني الحديد، ج اول مصادر الالتزام، بیروت - لبنان. دارالاحیاء التراث العربی، ص ۹۶۶).
۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج اول، چاپ اول، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ص ۵۲۶.
۳. حسینی نژاد، دکتر حسینقلی، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، ص ۹۱.
۴. عاطف نقیب، النظرية العامة للمسئولية الناشئة عن الفعل الشخصي (الخطأ والضرب). چاپ سوم، بیروت، پاریس، منشورات عویدات، ۱۹۸۴، ص ۳۸۵.
۵. میشل. لوراسا، مسئولیت مدنی، ترجمه دکتر محمد اشتری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان ۱۳۷۵، ص ۱۵۱.

6. International Encyclopedia of Comparative Law. Vol.11 (Torts), chap.8, Remedies, By Hans stoll, p.9.

اعاده می‌کند و سیره عقلا نیز بر این امر قرار گرفته است [۵۲].

د) حقوق تطبیقی

از مجموع بحث‌هایی که در مورد حقوق بعضی از کشورها در برخورد با جبران عینی به عمل آمد، جایگاه جبران بدلی نیز در حقوق مقایسه‌ای روشن می‌شود. در مقام مقایسه بین جبران عینی و بدلی می‌توان گفت که اغلب نظام‌های حقوقی جهان، جبران بدلی را بر جبران عینی مقدم می‌دارند [۳۴ و ۵۳]. علت این رجحان نیز سهولت و فراگیری این روش جبران خسارت است. در مقام مقایسه بین انواع بدل (مثل و قیمت) اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی، پرداخت وجه نقد و پول را بر پرداخت مثل ترجیح می‌دهند و پرداخت مثل در نظام‌های حقوقی خارجی حالتی نادر و استثنایی دارد [۵۴].

در حقوق انگلیس، دادن مثل پیش از اصلاحات قانونی گسترده سال ۱۸۳۲ مصادیق قابل توجهی داشت، اما از آن تاریخ به بعد جز در مواردی که بین طرفین دعوا رابطه‌ای وجود داشته باشد، این شیوه جبران خسارت کم‌تر مورد حکم قرار گرفته است [۵۵].

در برخی از حوزه‌های قضایی امریکا هنوز در مواردی حکم به جایگزینی یک کالا با کالای دیگر از همان نوع داده می‌شود. این شیوه معمولاً در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اولاً برای خواهان داشتن مالی از نوع مال تلف شده دارای اهمیت باشد و ثانیاً وی نتواند آن مال را در بازار آزاد به دست آورد که در این صورت حکم به پرداخت مبلغی پول به عنوان خسارت، شیوه مناسبی نخواهد بود [۵۵].

در حقوق فرانسه نیز اگر چه اغلب اوقات، خسارت با پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده جبران می‌شود، لکن پرداخت معادل زیان به هر شکل، از جمله پرداخت مثل امکان‌پذیر است [۵]. در رویه قضایی بین‌المللی جبران بدلی تقریباً در تمام موارد به صورت وجه نقد و پول پرداخت می‌گردد و از پرداخت مثل اثری مشاهده نمی‌شود [۵۶].

نتیجه

از مجموع مباحثی که در محورهای پیشین مطرح شد،

27. United nations, Report of International Arbitration Awards, Vol.xlll, pp.217-19,223-40, 249 نقل از همان
۲۸. دکتر حسینی نژاد، پیشین، ص ۹۳.
۲۹. شیخ محمد حسن نجفی، پیشین ص ۸۹.
۳۰. شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، ج اول چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵-م. ص ۲۸۴.
۳۱. سید میر عبدالفتاح الحسینی المراغی، العناوین ج ۲، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق. ص ۵۲۶.
۳۲. دکتر ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۵۳۷.
33. John F. O'connell, op. Cit. p.51.
34. Ibid. p.131.
۳۵. دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج اول، چاپ چهارم، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۸.
۳۶. دکتر ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۵۳۲.
۳۷. محمد بروجردی عبده، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی محمدعلی علمی، مرداد ۱۳۲۹، ص ۱۷۴.
۳۸. مصطفی عدل، حقوق مدنی، چاپ اول، قزوین، انتشارات بحر العلوم، ۱۳۷۳، ص ۲۰۷.
۳۹. در فقه امامیه ر.ک، شیخ محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۸۵.
۴۰. در فقه عامه ر.ک، دکتر وهبه الزحلی، پیشین، ص ۴۸۰۱.
۴۱. دکتر ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۵۳۳.
۴۲. شیخ طوسی، پیشین، ص ۶۰.
۴۳. سید محمد کلاتر، تعلیقه بر الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۷، بیروت، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بی تا، ص ۳۹.
۴۴. محمد جواد مغنیه، فقه الامام جعفر الصادق، ج ۵، چاپ پنجم، بیروت - لبنان، دارالجواد ۱۹۸۴م، ص ۲۰.
۴۵. شیخ موسی نجفی الخرناساری، منیة الطالب، تقریرات میرزا محمد حسین نائینی، ج اول، چاپ اول قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ ص ۲۸۳.
۴۶. سورة بقره - ۱۹۴.
۴۷. سورة شوری - ۴۰.
۴۸. سورة نحل - ۱۲۶.
۴۹. شیخ محمد حسن نجفی پیشین، ص ۸۶.
۵۰. جواهر، ج ۳۷، ص ۸۵.
۵۱. احمد نراقی، عوائد الایام، ص ۱۰۸. نقل از دکتر ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۵۳۲، زیرنویس ش ۱۸.
۵۲. سید ابوالقاسم الموسوی الخویی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، ج ۳، چاپ اول، بیروت - لبنان، دارالهادی، ۱۹۹۲-م، ص ۳۰۷.
53. Einfield & Jolowicz on Tort, op. cit, pp.632-642.
54. Ibid. p.27
55. Lawcon, F.H. op. cit. p.209.
۵۶. ر.ک. بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری، پیشین صفحات ۲۴۵-۲۴۲.
7. John F. O'connell, Remedies in a nutshell, second ed, west Publishing co, 1985, p.72.
8. Lawson. F.H, Remedies of English Law, Second Edition, London, Butterworths, 1980, p.173.
9. International Encyclopedia of Comparative Law, op. cit. p.8.
10. Ibid, pp.8,131.
11. Winfield & Jolowicz on Tort, W.V.H Rogers, 14ed, London Sweet & Maxwell, 1994, pp.646-650.
۱۲. دکتر ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۵۳۱.
۱۳. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۷، چاپ هفتم، بیروت - لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۷۵.
۱۴. دکتر وهبه الزحلی، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۶. چاپ چهارم، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۷-م ص ۴۸۰۰.
۱۵. السهوری، دکتر عبدالرزاق احمد، مصادر الحق فی فقه الاسلامی، دو جلدی، جزء ششم، چاپ اول، بیروت - لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۷ م، ص ۱۱۸.
۱۶. محمد بن الحسن بن علی الطوسی (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، بیروت - لبنان، دارالکتاب الاسلامی، بی تا، ص ۷۳.
۱۷. شیخ محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۲۰۵.
۱۸. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا، ص ۱۶۵.
۱۹. المبسوط، پیشین، ص ۷۵.
20. International Encyclopedia of comparative law, op. cit. p.63.
21. Winfield & Jolowicz on Tort, OP. Cit, p.632, Foundations of the Law of Tort, Glanville williams, B.A. Hepple, London, Butterworths 1976, PG.
22. Salmond & Heuston on the Law of tort, R.F.V. Heuston and R.S. Shambers, 8th Edition, London, sweet & maxwell, 1981, p.8.
23. Jone G., Goodhart, W. Specific performance, First Edition, London-Butter worth, 1986, p.18 and next.
24. John Bell, Sophie Boyron, & simon whittaker, Principles of French Law, First Edition, Oxford University Press, 1998, p.396.
۲۵. عاطف نقیب، پیشین، ص ۳۸۴.
26. International court of justice, Reports of judgments, & orders Advisory opinions, 1962; p.37.
- نقل از بهرام مستقیمی - مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت، چاپ اول، تهران انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲